

الگوی نظام انقلابی تمدن‌ساز و بیانیه گام دوم انقلاب

حسین اکبری^۱

اولین همایش بین‌المللی گام دوم انقلاب؛ الگوی نظام انقلابی تمدن‌ساز

International Conference on the Second Step of the Revolution

چکیده

انقلاب اسلامی ایران تلاش می‌کند در تکمیل شاخص‌های اجزای نظام انقلابی، اصول و مبانی خود را حفظ کند و به مسیر تمدنی ادامه دهد. انقلاب اسلامی پس از گذشت یک دوره چهل ساله و برخلاف دشمنی‌های نظام سلطه با تشکیل حکومت جمهوری اسلامی و پشت سر گذاشتن جنگ و تحریم و فشارهای سیاسی و تهدیدها، توانست موجب افزایش امید مستضعفان و ملت‌های تحت سلطه شود و اینک در تلاش است در گام دوم انقلاب اسلامی با شعار خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی به دنبال تکمیل پروژه حکومت و کشور اسلامی برای تحقق فرایند تمدن‌نویین اسلامی باشد. حرکت تمدن‌ساز نظام انقلابی در گام اول انقلاب، با بهره‌گیری از تجربه به‌دست آمده، موجب تقویت قدرت جبهه مقاومت، اقلیت‌گری و آگاه‌سازی ملت‌های تحت ظلم شد و با نیل به هدف توسعه استقلال‌طلبی، ظلم‌ستیزی و مظلوم‌باوری در شرایطی که افول آمریکا نیز آغاز شده است، و لذا با سرعت بیشتری به حرکت خود برای تحقق گام دوم انقلاب به منظور شکل‌گیری تمدن‌نویین اسلامی ادامه می‌دهد.

این تحقیق بر شاخصه‌ها و الگوهای عملی برای ایجاد نظامی انقلابی بر اساس نظر معمار انقلاب و مقام معظم رهبری، به ویژه آنچه در گام دوم انقلاب بر آن تأکید شده است، تمرکز دارد.

واژگان کلیدی

نظام انقلابی، جامعه‌سازی، بیانیه گام دوم، شاخصه‌های تمدن‌ساز



در شرایط پیچیده بین‌المللی و اتفاق نظر دو ابرقدرت رقیب در سطح جهان بر دین‌ستیزی، تولد انقلاب اسلامی به نوعی حادثه‌ای جدید در جهان قلمداد می‌شد. شعار نه شرقی- نه غربی، در کنار دین‌محوری، حساسیت جهانی را نسبت به انقلاب اسلامی افزایش داد. این حادثه در شرایطی رخ داد که هیچ کشوری در جهان نمی‌توانست خارج از سلطه یکی از دو ابرقدرت شرق و غرب استقلال سیاسی و فرهنگی داشته باشد. علاوه بر آن، تأسیس حکومت دینی در کنار نبود تجربه عملی حکومت دینی، احتمال تداوم زیست سیاسی را کاهش می‌داد. گذشت چهل سال از حرکت انقلاب اسلامی و تولد دولت جمهوری در کنار اسلامی بودن و شکل‌گیری گفتمان انقلاب در تقابل با دو گفتمان کمونیسم و لیبرالیسم، بازیگر سومی را در جهان متولد کرد. پس از فروپاشی گفتمان کمونیسم، گفتمان انقلاب اسلامی برای دفاع از ارزش‌های الهی در برابر گفتمان لیبرال دموکراسی که مدعی سلطه بر جهان بود، در تقابل شتابنده قرار گرفت؛ با این تفاوت که نظام سلطه به رهبری آمریکا با اندیشه لیبرال دموکراسی، جهان پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی را غنیمت خود می‌دانست و همه ابزارهای بین‌المللی اعم از ناتو، سازمان ملل، قدرت ائتلاف، سلطه بر کشورهای همسایه ایران، سلطه بر نظام مالی جهان، سلطه رسانه‌ای و... را در اختیار داشت. در مقابل، نظام نوپای انقلاب اسلامی برای پایداری در حفظ اصول الهی خود ناگزیر از مقاومت و تسلیم نشدن در برابر سلطه‌گری و حمایت از جریان مقاومت در جهان بود.

این هم‌وردی و تقابل نابرابر در همه زمینه‌ها وجود داشت تا اینکه افغانستان و عراق به اشغال نظامی آمریکا درآمدند و حضور این کشور با ۲۵۰ هزار نیروی نظامی در مرزهای انقلاب اسلامی، تهدید را نزدیک‌تر کرد. ناکامی آمریکا در تحقق اهداف خود در مقابل مقاومت مردم افغانستان و مردم عراق، امید پیروزی را در جبهه مقاومت افزایش داد و باور شکست‌پذیری نظام سلطه در برابر ایستادگی و مقاومت را پس از شکست نظام سلطه در جنگ ۳۳ روزه مجدداً ثابت کرد. در نتیجه اندیشه مقاومت با استعانت از کمک‌های الهی به باور ملت‌های تحت سلطه تبدیل شد و جبهه مقاومت در مناطق مختلف جغرافیایی اعم از فلسطین، لبنان، سوریه، یمن، عراق، بحرین و... با نظام سلطه درگیر شد.

در این مقاله رمز موفقیت و مؤلفه‌های دولت انقلابی در مقابل نظام سلطه جهانی با بهره‌گیری از نظرات امامین انقلاب مورد بررسی قرار گرفته و در افق بیانیه گام دوم انقلاب، شاخص‌های نظام انقلابی تحلیل و بررسی شده است.



نظریه‌های انقلاب

تا کنون تقسیم‌بندی‌های متفاوتی از نظریه‌های انقلاب در قرن بیستم ارائه شده است. برای مثال، تدا اسکاچپول نظریه‌های معاصر انقلاب را به طور عمده به چهار دسته زیر تقسیم‌بندی کرده است:

۱. نظریه‌های مارکسی و مارکسیستی؛

۲. نظریه‌های روان‌شناختی توده‌ای؛

۳. نظریه‌های ارزشی که انقلاب را پاسخ خشونت‌بار جنبش‌های عقیدتی به نابرابری‌های اجتماعی می‌دانند.

۴. نظریه‌های منازعه سیاسی (اسکاچپول، ۱۳۷۶: ۲۵-۲۳).

جک گلدستون نظریه‌های انقلاب در قرن بیستم را در سه نسل قرار داده و با وقوع انقلاب اسلامی ایران و سایر انقلاب‌های پایان قرن بیستم از ورود به نسل چهارم سخن گفته است. **نسل اول** که تقریباً تا سال ۱۹۴۰ را دربرمی‌گیرد، نوشته‌های افرادی مانند لیون، الوود، سوروکین، ادواردز، لدرر، پتی و برینتون را شامل می‌شود. آنچه بیشتر مورد توجه این نسل بود، توصیف فرایند انقلابی و بیان برخی نشانه‌های موقعیت انقلابی بود (Goldstone, 1980: 427-425). این افراد مرکز توجه خود را تنها توصیف انقلاب‌های مشهور گذشته مانند انقلاب فرانسه قرار می‌دادند و تلاشی برای تبیین نظری پدیده انقلاب نمی‌کردند.

نسل دوم دوره بین سال‌های ۱۹۴۰ تا ۱۹۷۵ را دربرمی‌گیرد. در این دوره فقدان شالوده‌نظری تا حدودی رفع می‌شود. در این نسل نظریه‌ها بر مبنای روان‌شناسی، جامعه‌شناسی یا علوم سیاسی بنا و از حالت توصیفی دور و تعمیمی شدند. در تحلیل‌های روان‌شناختی، نوشته‌های جیمز دیویس، رابرت گر، فایراند، شوارتز، گشوندر و موریسون ریشه انقلاب را در وضع ذهنی توده‌ها جست‌وجو می‌کردند؛ در تحلیل‌های جامعه‌شناختی، مطالعات چالمرز جانسون، اسملسر، جساپ و هارت در تحلیل پدیده انقلاب به تعادل نظام اجتماعی بر اثر کارکرد خرده‌نظام‌ها توجه داشتند و در تحلیل‌های علوم سیاسی، نوشته‌های چارلز تیلی، هانتینگتون، امان و استینک جامب انقلاب را گونه‌ای منازعه سیاسی میان رقبا می‌پنداشتند (Goldstone, 1980: 429-428).



نسل سوم از اواسط دهه ۱۹۷۰ شکل گرفت. این نسل شامل افرادی مانند پیچ، تریمبرگر، آیزنشتات و از همه مهم‌تر اسکاچپول بود. این نظریه‌پردازان متوجه نقش انواع ساختارها مانند ساخت دهقانی در وقوع انقلاب شدند و نقش عوامل آرمانی یا ایدئولوژیک و رهبری انقلابی را نادیده گرفتند. این نویسندگان معتقد بودند که برای وقوع انقلاب باید شرایط ساختاری ویژه مقدم بر فشارها یا تحولات اجتماعی و بین‌المللی وجود داشته باشد (Goldstone, 1980: 86; Eisenstaedt, 1987: 435-437). نویسندگان در ادامه می‌گویند که دهه ۱۹۷۰ دهه سیطره و شیوع نظریه‌های نسل سوم بود.

طی سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۱ انقلاب‌هایی در جهان به وقوع پیوست که حاکی از مشکلات جدی در نظریه‌های بیان‌شده بود. در ایران و نیکاراگوئه در پایان دهه ۱۹۷۰، ائتلاف‌های فراطبقاتی دیکتاتورهایی را سرنگون کردند که از حمایت گسترده ابرقدرت غرب برخوردار بودند. در اروپای شرقی و اتحاد جماهیر شوروی طی سال‌های ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۱ تغییراتی وسیع در نظام‌ها به وجود آمد که بر مبنای مبارزه طبقاتی نبود، بلکه با راهپیمایی و اعتراضات و اعتصابات عمومی رخ داده بود و رژیم‌های دیکتاتور جهان سوم از آنگولا گرفته تا زئیر سرنگون شدند؛ به طوری که هیچ‌یک از آنها را نمی‌شد بر مبنای نظریه‌هایی که براساس موارد معدود در تاریخ اروپا و چین تنظیم شده بودند، تحلیل کرد (Geldstone, 2001; Farahi, 1990).

نسل چهارم: وقوع انقلاب اسلامی ایران در پایان دهه ۱۹۷۰، نظریه اسکاچپول در کتاب «دولت‌ها و انقلاب‌های اجتماعی» را به چالش کشید؛ به گونه‌ای که وی در سال ۱۹۸۲ در مقاله‌ای با عنوان «دولت تحصیل‌دار و اسلام شیعه در انقلاب ایران» گفته خود در کتاب «انقلاب‌ها ساخته نمی‌شوند، بلکه به وجود می‌آیند» در مورد انقلاب ایران را رد کرد و با دست کشیدن از دید کاملاً ساختاری خود نوشت: «اگر در دنیا یک انقلاب باشد که با یک حرکت انقلابی آگاهانه ساخته شده، آن انقلاب، انقلاب ایران است» (اسکاچپول، ۱۳۷۹: ۱۸۹-۱۹۰) و این‌گونه نقش عناصر آرمانی و رهبری را مورد تأکید قرار داد.

به نظر فوران، رخداد دو انقلاب ایران و نیکاراگوئه راه را برای ورود به نسل چهارم نظریه‌های انقلاب هموار کرد؛ یعنی نسلی که خود را از دید ساختاری محض و جبرگرایی می‌رهاند و به عناصر متعددی مانند نقش فرهنگ و ایدئولوژی، بسیج منابع، توسعه نامتوازن و غیره اهمیت می‌دهد (مشیرزاده، ۱۳۸۱؛ 34: Furan, 1993).



۱. نظریه نظام انقلابی

در بیانیه گام دوم، مقام معظم رهبری با تأکید بر دفاع ابدی از نظریه نظام انقلابی می‌فرماید: «انقلاب اسلامی همچون پدیده‌ای زنده و با اراده، همواره دارای انعطاف و آماده تصحیح خطاهای خویش است؛ اما تجدیدنظرپذیر و اهل انفعال نیست. به نقدها حساسیت مثبت نشان می‌دهد و آن را نعمت خدا و هشدار به صاحبان حرف‌های بی‌عمل می‌شمارد، اما به هیچ بهانه‌ای از ارزش‌هایش که بحمدلله با ایمان دینی مردم آمیخته است، فاصله نمی‌گیرد. انقلاب اسلامی پس از نظام اسلامی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمی‌شود و میان جوش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی‌بیند، بلکه از نظریه نظام انقلابی تا ابد دفاع می‌کند» (بیانات رهبری، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

۲. نظام انقلابی و مدرنیته

با پیروزی انقلاب اسلامی و شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی مبتنی بر نظریه ولایت فقیه، یک دسته از سؤال‌ها، معضلات و مسائل مطرح روز برای محققان و رهبران انقلاب به شدت افزایش یافت. تنوع و گستردگی مسائل به حدی بود که برای هر یک از زیرمجموعه‌های فلسفی، فقهی، کلامی و تجربی گفتمان سیاسی، ده‌ها مسئله و سؤال اساسی مشخص شد از جمله:

- مفاهیم اساسی نظام سیاسی اسلامی (شورا، بیعت، مصلحت، احکام حکومتی، رهبری و...):

- سیاست داخلی دولت اسلامی (حقوق و وظایف متقابل مردم و حکومت، ارتداد، حقوق اقلیت‌ها، نظام اقتصادی و...):

- سیاست خارجی دولت اسلامی (منافع ملی، جنگ و صلح، دیپلماسی، قراردادها و...):

- روابط و حقوق بین‌الملل اسلامی که فقه سیاسی شیعه در عصر حاضر باید پاسخ‌گویی آنها باشد (حقیقت، ۱۳۸۳: ۱۸۹-۲۳۱).

به باور محققان پیشگام در این حوزه، عمق تحولات این مقطع به اندازه‌ای بود که برای پاسخ به مسائل و مشکلات عصر حاضر، آثار پیشینیان نمی‌توانست جوابگو باشد. امروز مسئله تأسیس، دوام و زوال حکومت نیز مانند بیمه، پیوند اعضا و حیات نباتی، امری جدید



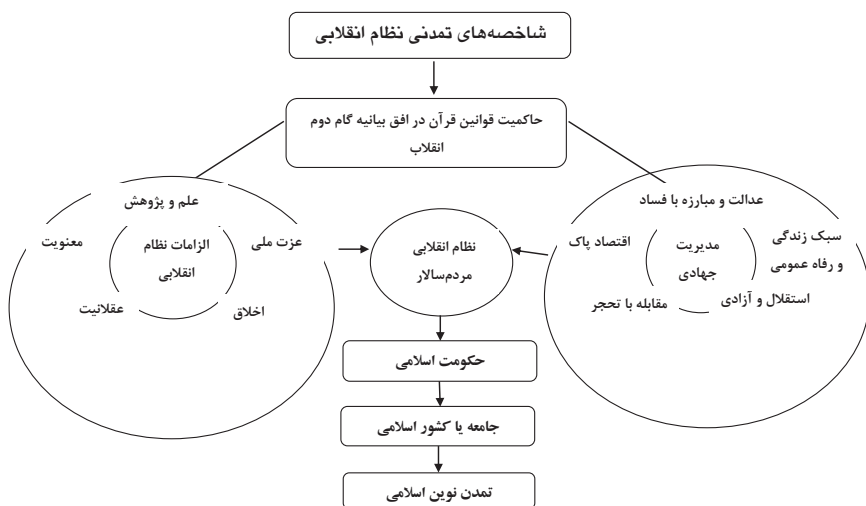
و بی سابقه است و به همین دلیل در هیچ‌یک از آثار فقهی گذشته با عناوین امروزی مطرح نشده است. از این رو به تعریف جدیدی از فقه سیاسی نیاز بود تا به مسائل جدید پاسخ داده شود (عمید زنجانی، ۱۳۷۸: ۷).

البته تعیین دقیق تاریخچه ورود مفهوم مردم‌سالاری در نوشته‌های مختلف روشنفکران ایرانی از اواخر دوران قاجار به بعد، کاری بسیار دشوار است؛ زیرا در آن دوره، ترجمه و نمونه‌های گوناگونی از این مفهوم رایج بوده است. یکی از پژوهشگران در این باره می‌گوید: در ایران در صد سال گذشته از دموکراسی، ترجمه‌های گوناگونی ارائه شده است و برداشت‌های مختلفی وجود دارد که مشهورترین آن، حکومت مردم بر مردم و صحیح‌ترین آن، «حکومت ملی» است (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۲۲۷). همین پژوهشگر در بررسی دیگری نشان می‌دهد که درک نادرست رهبران مشروطه از مفاهیم جدید از عوامل مهم شکست این نهضت است (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۱۷۳). همچنین با استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران، بسیاری از ارزش‌های سیاسی مدرن از شکل وظایف حکومت گرفته تا حقوق و آزادی‌های فردی به صراحت در قانون اساسی جمهوری اسلامی مورد پذیرش قرار گرفتند که این امر در سراسر جهان اسلام سابقه نداشت (مجتهد شبستری، ۱۳۷۹: ۲۲-۲۷). آن‌گاه در عمل، بسیاری از نهادها و مفاهیم مدرن چون مشارکت، انتخابات، مجلس و تفکیک قوا و غیره برای اولین بار تجربه شدند (پدرام، ۱۳۸۲: ۱۵).

شاخصه‌های تمدنی نظام انقلابی

در اندیشه امامین انقلاب شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی، بهره‌مندی انسان‌ها از همه ظرفیت‌های مادی و معنوی است که خداوند برای تأمین سعادت و تعالی آنان، در عالم طبیعت و در وجود خود آنان تعبیه کرده است. محوریت قوانین قرآن، معنویت، علم، اخلاق، مجاهدت، حکومت مردمی و اندیشه پیشرفته، اجتهاد و پاسخگویی به نیازهای نوین بشر، پرهیز از تحجر و ارتجاع، بدعت و التقاط، ایجاد رفاه عمومی، استقرار عدالت اجتماعی، خلاص شدن از اقتصاد مبتنی بر ویژه‌خواری، ربا، تکاثر و دفاع از مظلومان عالم قابلیت دارند که جهان‌بینی مادی ظالمانه غرب را به سوی سعادت برهانند (بیانات رهبری، ۱۳۹۲/۲/۹).





۱. محوریت قوانین قرآن

در اندیشه مقام معظم رهبری، قرآن و قوانین آن در تمدن اسلامی از جایگاه مهمی برخوردارند. به اعتقاد ایشان، شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی باید با توجه به «مبانی مشترک همه مذاهب اسلامی» و نه ایران شیعی باشد. بدیهی است که اولین و عالی‌ترین منبع مشترک بین همه فرق اسلامی، قرآن عظیم است. ایشان همچنین عامل اصلی دشمنی معاندان با ایران اسلامی را همین موضوع یعنی محوریت قوانین الهی برگرفته از قرآن می‌دانند (بیانات رهبری، ۱۳۹۰/۶/۲۶). علت اهمیت بسیار قرآن کریم، جامعیت قوانین آن و جوابگویی آن به همه نیازهای فردی و اجتماعی بشر است. امام(ره) اعتقاد به محوریت قوانین قرآن را از پیش فرض‌های امت واحده و تمدن نوین اسلامی دانسته‌اند (صحیفه نور، ج ۱۰: ۴۴۹). همه انبیا، ائمه و اولیای الهی حکومت صالحه را حکومتی می‌دانند که بر اساس قوانین الهی شکل بگیرد و عمل کند. حتی زمانی که مبانی حکومتی برای اولین بار در یونان مطرح شد هدف از ایجاد حکومت کمک به انسان‌ها برای رسیدن به ارزش‌های الهی بود؛ به همین دلیل رهبران حکومت از میان نخبگان مذهبی انتخاب شدند. اما از آنجا که در دین مسیح مبانی حکومتی تعریف نشده بود آنها به بن‌بست رسیدند؛ در حالی که اسلام به عنوان کامل‌ترین دین نزد خدا بیشترین احکامش در باب حکومت، اخلاق و جامعه است. در این باره شهید محمدباقر صدر معتقد است: ساخت عقیدتی حکومت اسلامی بر بنیاد ایمان به خدا و صفات او استوار



شده و هدف از سیر و مقصود از حرکت تمدن ساز این ساخت عقیدتی که شایسته حکومت اسلامی روی زمین است، الله خواهد بود. همان یگانه ساخت عقیدتی که انسان را در حرکت تمدن ساز خود یاری می دهد و برای این منظور، انرژی و نیروی پایان ناپذیری را برای حرکت در اختیار او قرار می دهد (یوسفی، ۱۳۸۹: ۴۲). امام (ره) نیز تصریح می کند که «حکومت اسلامی، حکومت قانون است و حکومت اسلامی، حکومتی است بر پایه قوانین الهی» (صحیفه نور، ج ۵: ۳۹۸ و ج ۴: ۳۹۷).

۲. معنویت

اولین هدف بعثت پیامبران، دعوت انسان ها به یکتاپرستی و ایمان به خداست: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ»: «و در حقیقت در میان هر امتی فرستاده ای برانگیختیم تا خدا را پرستید و از طاغوت بپرهیزید» (نحل/۳۶). رسالت پیامبر اعظم (ص) نیز در همین مسیر بود. ایشان طی ۲۳ سال نبوت، لحظه ای از این هدف والا غافل نشد و همه جهادها، جنگ ها و دلسوزی هایشان برای همین هدف، یعنی خدامحوری و دعوت به سوی خداوند متعال بوده است. این موضوع از چنان اهمیتی برخوردار است که در همه تمدن ها، عامل اساسی همه پیشرفت ها محسوب می شود. در اندیشه رهبر معظم انقلاب در درجه اول، نیاز تمدن نوین اسلامی به ایمان مطرح است. ایشان معتقدند «جدایی دیانت از سیاست از مظاهر شرک است که تا مسلمانان به همه ابعاد اسلام که سیاست نیز یک بعد مهم آن است، ایمان نیاورند، وارد اسلام واقعی نمی شوند». ایشان نقطه اصلی در تمدن اسلامی را ایمان به خداوند سبحان و به معنای عمیق توحید ناب معرفی می کنند و معتقدند: «یک نقطه اصلی وجود دارد و آن، ایمان است و ما باید به تعیین هدفی پردازیم که به آن ایمان پیدا کنیم.» ایشان معتقدند: «بدون ایمان، پیشرفت در این بخش ها میسر نیست و کار به نحو صحیحی انجام نمی شود. اکنون آن چیزی که به آن ایمان داریم، می تواند لیبرالیسم، کاپیتالیسم، کمونیسم، فاشیسم یا توحید ناب باشد. بالاخره به یک چیزی باید ایمان داشت، اعتقاد داشت، به دنبال این ایمان و اعتقاد پیش رفت. مسئله ایمان، مهم است. ایمان به یک اصل، ایمان به یک لنگرگاه اصلی اعتقاد؛ یک چنین ایمانی باید وجود داشته باشد. بر اساس این ایمان، سبک زندگی انتخاب خواهد شد» (بیانات رهبری، ۱۳۹۱/۷/۲۳). بنابراین،



مهم‌ترین شاخص جامعه و تمدن نوین اسلامی در اندیشه رهبر انقلاب، همان خدامحوری و ایمان به خالق انسان‌هاست که باید در همه سطوح جامعه اجرا شود و روابط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بر اساس آن شکل بگیرد.

۳. عقلانیت

رهبر معظم انقلاب بر «خردورزی» به عنوان مهم‌ترین بن‌مایه سبک زندگی در تمدن نوین اسلامی تأکید دارند. در لسان روایات، یک ساعت اندیشیدن در آغاز و فرجام زندگی و اعتقادات دینی که نوعی خردورزی است، از عبادت چندین ساله برتر شمرده شده است. خداوند در قرآن سیصد مرتبه انسان را به خردورزی دعوت کرده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۵۷). همچنین امام (ره) معتقدند: «انسان به طور کلی سه نشئه دارد و صاحب سه مقام و عالم است: نشئه آخرت، عالم غیب و مقام روحانیت و عقل؛ نشئه برزخ و عالم متوسط بین‌العالمین و مقام خیال؛ نشئه دنیا و مقام مُلک و عالم شهادت»؛ از این رو، به اعتقاد ایشان «انسان از سه لایه عقلی، قلبی و ظاهری برخوردار است که بعد عقلی، نیازمند کمال؛ بعد اخلاقی نیازمند تربیت و بعد ظاهری او نیازمند عمل است و دستورات انبیا و اولیای الهی برای عقل، کمال و برای قلب، تربیت و برای جوارح حسی، عملی مناسب محسوب می‌شود». ایشان معتقد به سه سطح برای عقلانیت انسان هستند: عقلانیت معرفتی، عقلانیت اخلاقی و عقلانیت ابزاری (معینی‌پور و لک‌زایی، ۱۳۹۱: ۶۶-۶۵). از دیدگاه امام (ره)، مراد از عقل مستند به حدیث شریف «العقلُ ما عُبِدَ بِهِ الرَّحْمَنُ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۱۱) عقل سلیمی است که بتواند انسان را به ارزش‌های انسانی برساند؛ بنابراین از دیدگاه ایشان، ممکن است شخصی دانشمند باشد، اما عقل نداشته باشد و دانش خود را صرف فساد و تباه کردن ملت‌ها کند.

ارکان، مبانی و چارچوب نظری دیدگاه رهبر معظم انقلاب در حوزه تمدن‌سازی نوین اسلامی برگرفته از مبانی فکری امام خمینی (ره) است و در برخی موارد شکوفاسازی، گسترش و تکمیل آن مبانی است؛ چنان که در مراسم اولین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره) تصریح کردند: «راه ما همان راهی است که امام بزرگوارمان ترسیم کردند» (بیانات رهبری، ۱۳۹۰/۳/۱۴). مقام معظم رهبری عقلانیت را که یکی از شاخصه‌های بارز و مهم تمدن



اسلامی است، چنین تعریف کرده‌اند: «عقلانیت یعنی نیروی خرد انسان را استخراج کردن و آن را بر تفکرات و اعمال انسان حاکم قرار دادن. برای تشکیل مدینه فاضله و امت واحده اسلامی و تمدن بزرگ اسلام باید عقل را معیار و ملاک قرار بدهیم. اولین کار در این راستا این است که تقویت نیروی عقل و خرد در جامعه انجام شود. عقلانیت به معنای محافظه‌کاری، مسامحه و تساهل نیست.» همچنین به اعتقاد ایشان، یکی از مشکلات بزرگ مسلمانان به کار نبستن عقل و خرد خدادادی است که سبب خسارت‌های مادی، معنوی، دنیوی و اخروی شده و تشکیل امت بزرگ واحد اسلامی را با اخلال مواجه کرده است (بیانات رهبری، ۱۳۸۸/۴/۲۹). ایشان دوری روحانیت غربی از عقلانیت و خردورزی در دوره قبل از رنسانس را عامل اصلی پیدایش تمدن منحرف غربی معرفی می‌کند (بیانات رهبری، ۱۳۸۳/۳/۲۲).

۴. علم و پژوهش

رسالت پیامبر (ص) با خواندن آغاز شد و همین باعث تفاوت اسلام از سایر ادیان شد (اکبری، ۱۳۹۰: ۲۰). قرآن در آیه ۹ سوره زمر بر برتری عالمان بر کسانی که فاقد این ارزش هستند، تصریح کرده است. در سوره طه آیه ۱۱۴ «... وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا» به پیامبر (ص) امر می‌شود که از درگاه الهی افزایش علم خود را طلب کند. در آیات دیگر قرآن مانند بقره/۲۸۰، نحل/۹۵، عمران/۱۹۰، انعام/۱۱، یونس/۵، عنکبوت/۱۵ و ... کسانی که اهل علم نیستند، پیوسته سرزنش می‌شوند. نکات فوق بیانگر اهمیت علم در قرآن است. در قرآن علم و ایمان کنار هم هستند: «وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ لَقَدْ لَبِثْتُمْ» (روم/۵۶).

سفارش‌های مکرر پیامبر (ص) درباره دانش‌افزایی مسلمانان گاهی موجب تعجب عموم پژوهشگران شده است (اکبری، ۱۳۹۰: ۲۰). روایاتی مانند «خداوند نیک‌بختی هر کسی را بخواهد، او را در دین دانا گرداند» (بخاری، ۱۹۸۱، ج ۱: ۲۸)؛ «فرشتگان بال‌های خود را زیر پای دانشجویان می‌گسترانند» (کلینی، ۱۴۹۷، ج ۱: ۳۴) و دیدگاه فیض کاشانی که «دانشمندان وارثان پیامبران و نزدیک‌ترین مردم به درجات نبوت، اهل علم و جهاد هستند»، بیانگر اهمیت علم در اسلام و نزد آن حضرت است. «خوب پرسیدن نیمی از دانش است» (حرانی، ۱۳۷۸: ۹۵)؛ «برای طلب و فراگیری دانش تا چین بروید»؛ پس فراگیری علم برای همه مسلمانان واجب است (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱: ۹۶). پیامبر (ص) برای آزاد کردن بعضی



از اسرایی که در جنگ بدر اسیر شدند و پول کافی نداشتند تا خود را آزاد کنند، شرط گذاشت که اگر ده نفر از مسلمانان را باسواد کنند، از قید اسارت آزاد می‌شوند (حسن ابراهیم، ۱۳۸۶: ۴۵۴). اهتمام ویژه اسلام به دانش‌پروری و نیاز به درک صحیح آموزه‌های اسلامی باعث شد مسلمانان درصدد توسعه علم و دانش و گسترش فرهنگ و پیشرفت تمدن انسانی برآیند و به گسترش تعلیم و تربیت پردازند (قربانی، ۱۳۷۰: ۶۵).

در اندیشه رهبر انقلاب، مجاهده علمی و شکستن مرزهای علم، چراغ راه تمدن اسلامی است. به اعتقاد ایشان «فردای بدون علم تاریک است و چراغ راه تحقق تمدن اسلامی، مجاهده علمی است». علم از دیدگاه ایشان «سلطه‌آور است و جامعه صاحب علم را قدرتمند می‌سازد». ایشان به میزان بسیاری تأکید می‌کنند که «علم را باید فراگرفت و به تولید و صدور آن پرداخت و به مصرف آن نباید بسنده کرد». روش‌شناسی تولید علم از دیدگاه ایشان «اجتهاد به معنای مصطلح، یعنی استنباط از منابع دینی و رجوع به عقلی است که پشتوانه آن وحی است. در این صورت تولید علم می‌تواند در مسیر رشد و اعتلای تمدن اسلامی باشد». به اعتقاد ایشان «دشمن از هیچ تلاشی برای عدم تحقق این اصل فروگذار نمی‌کند و بنابراین، باید ترفندهای دشمن را شناخت». نکته بسیار مهم در دیدگاه ایشان درباره علم، شکستن مرزهای دانش به وسیله مسلمانان است. به اعتقاد ایشان «تحجر و جزم‌گرایی در خصوص یافته‌های علمی گذشتگان یا متفکران غربی، آفت اصلی تحقق رشد علمی است و آزاداندیشی راه برون‌رفت از این آفت است» (بیانات رهبری، ۱۳۷۹/۱۲/۹). به اعتقاد ایشان «ارزش علم منوط به معنویت است و علم بدون معنویت فاقد هر گونه ارزشی است؛ زیرا علم بدون معنویت همان چیزی می‌شود که اکنون تمدن غربی با آن مواجه است که با روش‌های پیچیده علمی توانست موفقیت‌های بزرگی به دست آورد، اما به لحاظ معنویت دچار عظیم‌ترین خسارت‌ها شد». تأکید رهبر انقلاب بر علم همراه با معنویت به این دلیل است که «علم با خود قدرت می‌آورد و اگر این قدرت رها باشد، عامل فساد و فتنه‌انگیزی می‌شود. بر عکس زمانی که معنویت علم را فرماندهی کند، عامل سعادت می‌شود و در خدمت آرامش و امنیت مردم قرار می‌گیرد. مثال گویای سوءاستفاده از علم، استفاده غیرانسانی ایالات متحده آمریکا از فناوری بالای هسته‌ای در قتل عام مردم بی‌گناه هیروشیما و ناکازاکی است» (بیانات رهبری، ۱۳۸۵/۸/۲۰).



دیدگاه راهبردی امام(ره) در زمینه علم به عنوان یکی از ارکان و مبانی تمدن نوین اسلامی آن است که «همه علوم با نیت الهی، «الهی» محسوب می‌شوند. همچنین تقارن علم با عمل، ضرورتی تام دارد؛ به طوری که علم و عمل دو بالی هستند که انسان را به مقام انسانیت می‌رسانند. بنابراین علم تنها اثر ندارد، بلکه گاهی مضر است و عمل بدون علم، بی نتیجه است» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۸: ۲۶۸). در آثار امام به میزان بسیاری تأکید شده است که علم غیر از ایمان است و تصریح می‌فرمایند: «ممکن است انسان، برهان داشته باشد، ولی در مرتبه کفر و شرک باقی بماند.»

۵. اخلاق

اخلاق جمع «خُلُق» به معنای نیرو و سرشت باطنی انسان است که فقط با دیده بصیرت و غیرظاهر قابل درک است. علم اخلاق، علمی است که صفات نفسانی خوب و بد و اعمال و رفتار اختیاری متناسب با آنها را معرفی می‌کند و شیوه تحصیل صفات نفسانی خوب و انجام اعمال پسندیده و دوری از صفات نفسانی بد و اعمال ناپسند را نشان می‌دهد (دیلمی و آذربایجانی، ۱۳۸۴: ۱۶-۱۵). قرآن مسئله اخلاق را در ردیف اهداف اصیل عامه نبوت می‌داند و زندگی انسان را در ساحت اخلاق، زندگی سعادت‌مند و زندگی بدون اخلاق را متضرر می‌داند.

اخلاق یکی از شاخصه‌های بارز تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری است. ایشان معنویت و اخلاق را همان عامل می‌داند که «یک روز اسلام را از یک جمع محدود غریب، به یک تمدن عظیم جهانی تبدیل کرد و این تمدن، قرن‌ها دنیا را اداره کرد و امروز نیز دنیا، مدیون تمدن اسلامی است». به اعتقاد ایشان «توجه به خدا و توجه به معنویت، باعث تکوین چنین تمدنی شد؛ در غیر این صورت چنین تمدن ماندگاری با انگیزه‌ها و تلاش‌های مادی به وجود نمی‌آمد» (بیانات رهبری، ۱۳۷۵/۱۱/۲۱). رهبر انقلاب شرط اصلی ساختن یک تمدن پیشرفته و دارای کمترین اشکالات را معنویت متکی بر دین اسلام می‌دانند و معتقدند که «معنویت دینی زمینه‌ساز شناخت استعدادها و بهره‌گیری مناسب از آنها و پیشرفت مطلوب در همه ابعاد و با کمترین آسیب خواهد بود» (بیانات رهبری، ۱۳۹۱/۱۲/۱۴). ایشان به عنوان مبانی کارگشای تمدن نوین اسلامی فرمودند: «اسلام،



خردورزی، اخلاق و حقوق را مایه اصلی فرهنگ صحیح می‌داند و ما نیز باید به طور جدی به این مقولات بپردازیم و گرنه پیشرفت اسلام و تمدن نوین اسلامی شکل نخواهد گرفت» (بیانات رهبری، ۱۳۹۱/۷/۲۳). ایشان در این باره که اخلاق چیست و وجود و عدم آن در جامعه چه نقشی دارد؟ چه ارتباطی با عقلانیت و دیانت و علم دارد؟ می‌فرمایند: «اخلاق آن هوای لطیفی است که در جامعه بشری اگر وجود داشت، انسان‌ها می‌توانند با تنفس او زندگی سالمی داشته باشند». اخلاق که از دیدگاه ایشان «مهندسی و مدیریت لایه دوم وجود آدمی را بر عهده دارد، عبارت است از هوای لطیف؛ یعنی انسان‌ها به همان مقدار به اخلاق نیاز دارند که به هوا، نه به آب و نه به غذا» (بیانات رهبری، ۱۳۸۸/۴/۲۹). بنابراین در سایه محیط سالم، تمدن شکل می‌گیرد.

۶. مدیریت جهادی

بدون تردید پایه‌گذاری، تکوین و گسترش تمدن‌ها فقط در پرتو تلاش مستمر انسان‌ها میسر است و یکی از شاخصه‌های بارز تمدن‌ها، تلاش مستمر افراد آن است. در منابع اسلامی این تلاش مستمر مورد توجه تام قرار گرفته و از آن با عنوان «مجاهدت» یاد شده است که تأثیری بس عظیم در رشد و دوام تمدن اسلامی دارد. این مجاهدت مختصات مربوط به خود را دارد که در هیچ تمدنی مسبق به سابقه نیست. اهمیت این تلاش مقاومت و ایستادگی در مقابل دشمن و نظام سلطه است که به آن ارزش جهاد می‌دهد. این واژه در فرهنگ قرآنی نیز مورد توجه قرار گرفته و در مقاطع مختلف دستور به مجاهدت و تلاش در همه امور داده شده است؛ چنان که مفسران واژه جهاد در آیه «فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا» (فرقان/۵۲) را به معنی مجاهدت در مقابل دشمن دانسته‌اند (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۷: ۲۶؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۶: ۱۰۶؛ الوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۰: ۳۲؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۵۸۲). بر این اساس در بیان مقام رهبری، مجاهدت واژه‌ای استراتژیک است. با توجه به آثار عمیق مجاهدت در رشد و دوام تمدن نوین اسلامی، ایشان در مناسبت‌های مختلف همه را به مجاهدت در همه امور دعوت کرده‌اند. رهبری با استناد به آیه «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» (عنکبوت/۶۹) معتقدند «در صورت مجاهدت، حصول موفقیت و دریافت تأییدات الهی قطعی است». در دیدگاه امام خامنه‌ای، مجاهدت



فوق با تلاش معمولی بسیار تفاوت دارد که اصلی‌ترین تفاوت آن با تلاش معمولی با استناد به آیه فوق، موضوع مهم اخلاص است (بیانات رهبری، ۱۳۸۳/۳/۲۲ و ۱۳۹۱/۱۲/۱۴). در آیه فوق با توجه به قید «فِيْنَا» و تأکید «لَنَهْدِيَنَّهُمْ» به صراحت درباره همه امور جهادی که در جهت رضای الهی باشد، وعده موفقیت قطعی و نصرت الهی داده شده است. بنابراین به اعتقاد ایشان، مجاهده یکی از ارکان شکل‌گیری تمدن اسلامی است. ایشان معتقدند برای دستیابی به تمدن نوین اسلامی باید جهاد کرد. جهاد اکبر، مبارزه با نفس و جهاد اصغر، مبارزه با دشمن خارجی و استکبار جهانی است. مقام رهبری با مطرح کردن جهاد سیاسی، جهاد اقتصادی و جهاد علمی، مسلمانان را به مجاهدت تشویق می‌کنند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که در اندیشه ایشان، جهاد در همه زمینه‌ها موجب پیشبرد اهداف متعالی می‌شود و در مقابل دشمن عقب‌نشینی نمی‌توان کرد. طرح و تفسیر جهاد کبیر از منظر ایشان در سال ۱۳۹۵ تأکیدی بر این مهم بود. در دیدار مسئولان کشور در روز عید مبعث در سال ۱۳۹۰ در خصوص مجاهدت می‌فرمایند: «اسلام این توانایی را داشت و دارد که بشریت را به سعادت برساند، به کمال برساند و از لحاظ مادی و معنوی او را رشد دهد. این پایه‌هایی که پیغمبر گذاشتند پایه ایمان، پایه عقلانیت، پایه مجاهدت، پایه عزت پایه‌های اصلی جامعه اسلامی است» (بیانات رهبری، ۱۳۹۰/۴/۹ و ۱۳۹۲/۸/۲۹).

۷. مردم‌سالاری

در اندیشه رهبر معظم انقلاب، مردم‌نقشی بی‌بدیل در تمدن اسلامی دارند. ایشان ضمن تبیین شاخصه‌های بارز مکتب سیاسی امام خمینی (ره)، از مردم به عنوان عامل شاخص یاد می‌کنند که مورد توجه تام امام بوده است. در مکتب سیاسی امام و رهبری، هویت انسانی، هم‌ارزشمند و دارای کرامت است، هم قدرتمند و کارساز است. نتیجه ارزشمندی و کرامت داشتن این است که در اداره سرنوشت بشر و یک جامعه، آرای مردم باید نقش اساسی ایفا کند. از این رو، مردم‌سالاری در مکتب سیاسی امام که از متن اسلام گرفته شده، مردم‌سالاری حقیقی است؛ برخلاف مردم‌سالاری آمریکایی و امثال آن که شعار و فریب و اغواگری ذهن‌های مردم است. مردم با رأی، اراده، خواست و با ایمان راه و مسئولان خود را انتخاب می‌کنند. مقام رهبری اوج مردمی بودن حکومت امام (ره) را در به رأی گذاشتن قانون اساسی در اوایل



انقلاب می‌دانند و معتقدند که رأی مردم تعیین‌کننده است و این به دلیل کرامت آنهاست که به واسطه دین از ناحیه خداوند متعال به آنان واگذار شده است. در مکتب سیاسی امام و رهبری، مردم‌سالاری از متن دین برخاسته است. از «امرهم شوری بینهم» (شورا/۳۸) و «هو الذی ایدک بنصره و بالمؤمنین» برخاسته است (بیانات رهبری، ۱۳۸۳/۸/۱۴). امام (ره) تأکید می‌کنند که حکومت اسلامی، دیکتاتوری نیست و به آرای مردم متکی است. مردمی بودن حکومت، شرط اصلی تحقق قانون است. مقبولیت مردمی حکومت و فعلیت آن منوط به پذیرش و حمایت مردم است. کارآمدی حکومت دینی نیز امری مربوط به مشارکت فعال مردم در حکومت خواهد بود و تعیین شکل حکومت با مراجعه به آرای ملت، بُعد دیگر اهتمام امام (ره) به نقش مردم بود (صحیفه نور، ج ۵: ۳۳۴).

۸. مقابله با تحجر

متحجر کسی است که در مقابل نوآوری و تحول انعطاف نشان نمی‌دهد و اندیشه‌های همسو با اندیشه خود را می‌پذیرد و از پذیرش اندیشه دیگران اجتناب می‌ورزد. تحجر یکی از موانع و بازدارنده‌های جدی نوآوری و شکوفایی در تمدن نوین اسلامی است که باید به شدت از آن پرهیز کرد؛ زیرا ما هر روز شاهد تحول در حوزه‌های مختلف زندگی هستیم. در تاریخ اسلام خوارج اولین گروهی بودند که به تحجر و مطلق‌انگاری مبتلا شدند. امام علی (ع) با تعبیر تندی درباره آنها فرمودند: «من می‌کوشم که دردها را با شما درمان کنم، در حالی که شما خود درد بی‌درمان شده‌اید. کسی را مانند شده‌ام که خار در پایش خلیده و او ناگزیر است با کمک خاری دیگر، خار را از پای بیرون کشد؛ و حال اینکه می‌داند آن خار در جای خار اول می‌شکند» (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۰).

خطر تحجر و قشری‌نگری در تمدن نوین اسلامی به میزان بسیاری مورد توجه مقام رهبری قرار دارد و ایشان مدام بر تولید فکر و نوآوری در همه زمینه‌ها تأکید اساسی دارند. مقام رهبری دو عنصر اساسی را در ایجاد تمدن اسلامی، همانند سایر تمدن‌ها، لازم می‌دانند: یکی، تولید فکر و دیگری، پرورش انسان. رهبر انقلاب ضمن حمایت از طرح الگوی اسلامی-ایرانی، پیشرفت آن را نیازمند جرأت، شجاعت و انگیزه بسیار قوی می‌دانند که در این میان فکر و اندیشه، روح اصلی این حرکت است. «باید در طراحی الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، بر



چهار حوزه فکر، علم، معنویت و زندگی تأکید شود که در این میان، موضوع «فکر» بنیانی‌تر از بقیه حوزه‌هاست.» همچنین ایشان درباره برتری فکر اسلامی می‌گویند: «خود فکر اسلامی مثل یک دریای عمیق است؛ یک اقیانوس است. هر کس که لب اقیانوس رفت، نمی‌تواند ادعا کند که اقیانوس را شناخته است. هر کس هم که نزدیک ساحل پیش رفت یا چند متری در آب در یک نقطه‌ای فرو رفت، نمی‌تواند بگوید اقیانوس را شناخته است. سیر در این اقیانوس عظیم و رسیدن به اعماق آن و کشف آن کاری است که همگان باید انجام دهند؛ کاری است که در طول زمان باید انجام شود. تولید فکر در هر زمانی متناسب با نیاز آن زمان از این اقیانوس عظیم معارف ممکن است» (بیانات رهبری، ۱۳۹۱/۱۲/۱۴ و ۱۳۷۹/۰۷/۱۴).

۹. سبک زندگی و ایجاد رفاه عمومی

در مورد سبک زندگی فرمودند: «تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زیان‌های بی‌جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است؛ مقابله با آن، جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه می‌طلبد» (بیانات رهبری، ۱۳۹۸/۱۱/۲۲). از شاخصه‌های دیگر تمدن اسلامی در اندیشه مقام رهبری، ایجاد رفاه عمومی برای مسلمانان به نحوی عادلانه است. ایشان در بیانات خود به این موضوع مهم توجه بسیاری داشته و به مسئولان کشور و حاکمان اسلامی توصیه کرده‌اند که برای آسایش، امنیت روحی و روانی و اقتصادی مردم باید بیشتر تلاش کنند. بدون شک رفاه عمومی از لوازم و زمینه‌های شکل‌گیری تمدن‌هاست؛ بنابراین در اندیشه معظم له این امر مهم که در اسلام نیز به آن توجه ویژه شده مورد تأکید قرار گرفته است. به اعتقاد ایشان، «مسئله اقتصادی اسلام خاص است و فقط در اسلام وجود دارد و آن این است که سیاست کلی اقتصاد باید ایجاد رفاه عمومی و عدالت اجتماعی در بین تک تک افراد جامعه باشد». ایشان در تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی به رفاه عمومی بیاناتی فرموده و به آن توجه کرده‌اند: «در واقع مؤلفه‌های این مجموعه مسئله ایجاد تحرک و پویایی در اقتصاد کشور و بهبود شاخص‌های کلان است؛ از قبیل رشد اقتصادی، تولید ملی، اشتغال، کاهش تورم، افزایش بهره‌وری، رفاه عمومی...» (بیانات رهبری، ۱۳۷۲/۰۵/۱۲ و ۱۳۹۲/۱۲/۲۰).



۱۰. عدالت و مبارزه با فساد

عدالت که از اصول دین است، یکی دیگر از شاخصه‌های عمده تمدن اسلامی است. قرآن به عدالت‌ورزی امر می‌کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ» (نساء/۱۳۵). در جایی دیگر غایت ارسال پیامبران را اقامه عدالت معرفی می‌کند: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيُقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید/۲۵). در این آیه عدالت را وصف کل مردم آورده که خود دلیل اهمیت بسیار، و حضور روح عدالت‌ورزی در تمدن اسلامی است. در تاریخ یکی از عوامل اصلی زوال تمدن‌ها ظلم بوده که نقطه مقابل عدالت است. بر این اساس در اندیشه مقام رهبری «زوال تمدن‌ها معلول انحراف‌هاست و تمدن‌ها بعد از آنکه به اوج می‌رسند، به دلیل ضعف‌ها و خلأها و انحراف‌های خود رو به انحطاط می‌روند و اکنون نشانه این انحطاط در تمدن غربی قابل مشاهده است؛ به طوری که تمدن علم بدون اخلاق، مادیت بدون معنویت و دین و قدرت بدون عدالت است». معظم له در جایی دیگر از عدالت اجتماعی به عنوان یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین خطوط در مکتب سیاسی امام یاد می‌کنند و معتقدند که «باید عدالت اجتماعی و پُر کردن شکاف‌های طبقاتی در همه برنامه‌های حکومت، در قانون‌گذاری، در اجرا، در قضا مورد نظر و هدف باشد». به اعتقاد ایشان «اگر ما بگوییم کشور را ثروتمند می‌کنیم، اما ثروت‌ها در گوشه‌ای به نفع یک عده انبار شود و عده کثیری از مردم نیز دست‌شان خالی باشد، با مکتب سیاسی امام نمی‌سازد. پُر کردن شکاف اقتصادی در بین مردم و رفع تبعیض در استفاده از منابع گوناگون ملی در میان طبقات مردم، مهم‌ترین و سخت‌ترین مسئولیت است و همه برنامه‌ریزان، قانون‌گذاران، مجریان و همه کسانی که در دستگاه‌های گوناگون مشغول کار هستند، باید این موضوع را مورد توجه قرار دهند و یکی از مهم‌ترین شاخص‌های حرکت خود به حساب آورند». ایشان در تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی درباره عدالت اجتماعی می‌فرمایند: «از همه این شاخص‌ها مهم‌تر، شاخص کلیدی و مهم عدالت اجتماعی است. یعنی ما رونق اقتصادی کشور را بدون تأمین عدالت اجتماعی به هیچ وجه قبول نداریم و معتقد به آن نیستیم. کشورهایی هستند که شاخص‌هایشان خیلی خوب است، مطلوب است، رشد اقتصادیشان خیلی بالاست؛ لکن تبعیض، اختلاف طبقاتی، نبود عدالت در آن کشورها محسوس است؛ ما این را به هیچ وجه منطبق با خواست اسلام و اهداف جمهوری اسلامی نمی‌دانیم. بنابراین یکی از مهم‌ترین شاخص‌های ما، شاخص



عدالت اجتماعی است. باید طبقات محروم از پیشرفت اقتصادی کشور به معنای واقعی کلمه بهره‌مند بشوند» (بیانات رهبری، ۱۳۷۹/۷/۱۴، ۱۳۸۳/۳/۱۸ و ۱۳۹۲/۱۲/۲۰).

به عقیده ابوالعلاء مودودی، «هدف حکومت اسلامی این است که زندگی انسان بر اساس عدالت استوار، و بساط ظلم و ستم برچیده شود» (مودودی، ۱۴۰۵: ۳۸). عدالت در اندیشه امام(ره)، هدف حکومت اسلامی و شرایط اصلی و اساسی حاکم است. مشروعیت حاکم اسلامی و سایر زمامداران، تنها با عدالت و تقوا تأمین می‌شود. تفسیر دوم عدالت در اصل مشروعیت نظام است؛ زیرا حکومت اسلامی، نظامی مبتنی بر عدالت است که رویه اصلی حکومت اسلامی نیز باید عادلانه باشد. امام(ره) می‌فرماید: «مقصد اصلی عبارت از این است که یک حکومت عدل، یک حکومت اسلامی عدلی مبتنی بر قواعد اسلامی حاصل شود» (صحیفه نور، ج ۵: ۲۴).

۱.۱. اقتصاد پاک و دوری از اقتصاد مبتنی بر ربا و تکاثر

در حدود نهمصد آیه از قرآن مباحث و مسائل اقتصادی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم مطرح شده است. در قرآن، اهداف اقتصادی (مانند عدالت اقتصادی، فقرزدایی و غیره)، مبانی اقتصاد (پایان‌ناپذیری منابع)، محوریت انسان در منافع جهان، مالکیت حقیقی خداوند، تضمین روزی همگان، و اصالت آخرت و اصول اقتصادی (میان‌روی تعاون، همراهی اقتصاد با ارزش‌های الهی و اخلاقی و نفی ربا و غیره) و نیز نظریه‌پردازی اقتصادی (تأثیر امور معنوی در رشد اقتصادی و غیره) مطرح شده است (رضایی، ۱۳۹۰: ۱۱). با توجه به آیات قرآن، اقتصاد و جمع‌آوری ثروت و ویژه‌خواری، هدف نیست، بلکه مقدمه رسیدن به اهداف عالی است. «ای اهل ایمان! یقیناً بسیاری از عالمان یهود و راهبان، اموال مردم را به باطل می‌خورند و همواره [مردم را] از راه خدا باز می‌دارند؛ و کسانی را که طلا و نقره می‌اندوزند و آن را در راه خدا هزینه نمی‌کنند، به عذاب دردناکی مژده ده» (توبه/۳۴). از دیدگاه قرآن، سرمایه وسیله تولید و کار است؛ از این رو نباید به صورت گنج ذخیره‌سازی شود یا وسیله رباخواری شود که مانع رشد اقتصادی است. «ای اهل ایمان! از خدا پروا کنید، و اگر مؤمن هستید، آنچه را از ربا [بر عهده مردم] باقی مانده رها کنید. و اگر چنین نکردید، به جنگی بزرگ از سوی خدا و رسولش [بر ضد خود] یقین کنید» (بقره/۲۷۹-۲۷۸).



مقام معظم رهبری به بحث اقتصاد سالم در تمدن نوین اسلامی عنایت دارند و از اقتصاد مبتنی بر ویژه‌خواری و ربا و تکاثر که آفت رشد اقتصادی است، به شدت نهی می‌کنند و پیوسته به قوه قضاییه درباره مقابله با ویژه‌خواری و رانت‌بازی، و به دولت‌ها در خصوص پیگیری اجرای سیاست‌های اقتصاد سالم تذکر می‌دهند. دلیل توجه بسیار به مبانی اقتصاد و مسائل پیرامون آن به منابع اسلام باز می‌گردد. به اعتقاد معظم له، دو پایه اقتصاد اسلامی عبارت‌اند از: «افزایش ثروت ملی که کشور اسلامی باید کشور ثروتمندی باشد و اهداف والای خودش را در سطح بین‌المللی پیش ببرد. پایه دوم، توزیع عادلانه و رفع محرومیت در جامعه اسلامی است» (بیانات رهبری، ۱۳۸۵/۱۱/۱۳). نظریه اقتصاد مقاومتی از سوی رهبر انقلاب و تحمل آن توسط مردم ایران یکی دیگر از پارامترهای گسترش تمدن نوین اسلامی است.

۱۲. عزت ملی؛ استقلال و آزادی

جبهه مقاومت در جهان کنونی توانسته است با تکیه بر وعده‌های الهی در همه میدان‌های نبرد، نظام سلطه را شکست دهد. این برتری مدیون استقلال و آزادی ملت ایران است. در مورد عزت ملی، مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم می‌فرماید: «صحنه جهانی، امروز شاهد پدیده‌هایی است که تحقق یافته یا در آستانه ظهورند؛ تحرک جدید نهضت بیداری اسلامی بر اساس الگوی مقاومت در برابر سلطه آمریکا و صهیونیسم؛ شکست سیاست‌های آمریکا در منطقه غرب آسیا و زمین‌گیر شدن همکاران خائن آنها در منطقه؛ گسترش حضور قدرتمندانه سیاسی جمهوری اسلامی در غرب آسیا و بازتاب وسیع آن در سراسر جهان سلطه، اینها بخشی از مظاهر عزت جمهوری اسلامی است که جز با شجاعت و حکمت مدیران جهادی به دست نمی‌آید» (بیانات رهبری، ۱۳۹۸/۱۱/۲۲). همین‌طور در بیانیه گام دوم در مورد استقلال و آزادی فرمودند: «استقلال ملی به معنی آزادی ملت و حکومت، از تحمیل زورگویی قدرت‌های سلطه‌گر جهان است و آزادی اجتماعی به معنای حق تصمیم‌گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه افراد جامعه است. این هر دو از جمله ارزش‌های اسلامی‌اند و این هر دو عطیه الهی به انسان‌هاست و هیچ‌کدام تفضل حکومت‌ها بر مردم نیستند. حکومت‌ها موظف به تأمین این دواند. منزلت آزادی و استقلال را کسانی



بیشتر می‌دانند که برای آن جنگیده‌اند. ملت ایران با جهاد چهل ساله خود از جمله آنهاست. استقلال و آزادی کنونی ایران اسلامی، دستاورد، بلکه خون‌آورد صدها هزار انسان والا و شجاع و فداکار است» (بیانات رهبری، ۱۳۹۸/۱۱/۲۲).

رابطه دین و سیاست در نظام انقلابی

رابطه دین و سیاست در نظام انقلابی مبتنی بر دو رکن اساسی جمهوریت و اسلامیت است. این نوع حکومت از آن جهت که پس از حکومت پیامبر (ص) و دولت امیرالمؤمنین (علی ع)، نخستین حکومت بر اساس شریعت و دین اسلام است، همواره مورد تبادل نظرهای جدی بوده است.

مشارکت حداکثری مردم همراه با محتوای دینی مؤلفه‌هایی است که این نظام سیاسی را تکمیل می‌کند و تأکید رهبران آن بر این بوده است که در جمهوری اسلامی یا همان مردم‌سالاری دینی حضور مردم برای اجرای اراده خداوند روی زمین و اجرای احکام الهی است.

معمار این دولت یعنی امام خمینی (ره) دین و سیاست را مکمل هم می‌دانند. ایشان در عین فقاقت و مقام مرجعیت از نسل حکمای (حکمت متعالیه) ملاصدرا بودند که سعی داشتند میان عرفان و فلسفه، طریقت و شریعت، عقل و وحی، شهود و عقل و کلام و فلسفه جمع ببندند و در تفسیر از متون دینی به ویژه قرآن، با گذر از ظاهر و لایه‌های بیرونی به باطن آن تا حد مقدور دست یابند. ایشان در تفسیر، اصالت را به گرایش‌های عرفانی می‌دادند که این موضوع را می‌توان برای نمونه در تفسیر سوره حمد، دعای سحر و آداب و اذکار نماز ایشان مشاهده کرد (اسماعیلی، ۱۳۹۱: ۴۴۸-۴۴۷).

گرچه از آیت‌الله حائری یزدی به عنوان مؤسس حوزه علمیه قم و از آیت‌الله بروجردی به عنوان احیاگر این حوزه نام می‌برند، اما امام خمینی (ره) را بنیان‌گذار مکتب قم دانسته‌اند (نامدار، ۱۳۷۶: ۱۹۸) که طی تلاش‌های علمی و عملی خود توانست تحولات بسیاری را در علوم دینی به وجود آورد و با نگاهی ویژه به دین و علوم حوزوی، تحولات در رویکرد به دین و آن علوم را میان طلاب و علمای پس از خود، که بسیاری شاگرد ایشان بودند، بنیان گذارد. علمای تراز اول شیعه از پارادایم فقهی/کلامی به موضوعات دیگر می‌نگریستند و بر همین



اساس، ورود آنها به سیاست با رهیافت قانون‌مدارانه بود؛ اما آنچه امام(ره) را از علمای پیشین متمایز می‌کند، در وهله نخست، پارادایم ذهنی ایشان است. در بررسی این موضوع در می‌یابیم که در اندیشه امام(ره)، به پارادایم فقهی/کلامی فقهای پیشین شیعه، بُعد سومی افزوده شده است که نگرش‌های ایشان را عمق بیشتری می‌دهد که این بُعد، عرفان نامیده می‌شود. این نگرش برای نخستین بار، حداقل در سده‌های اخیر، مجتهد و مرجعی را به جامعه معرفی می‌کند که علاوه بر گرایش و بینش فقهی و کلامی، گرایش و بینش عرفانی هم دارد. در میان تحصیل‌کردگان حوزوی کم و بیش بوده‌اند کسانی که به عرفان و فلسفه گرایش داشتند، اما فضای حوزه همیشه به‌گونه‌ای بود که فلاسفه و عرفا هیچ‌گاه نمی‌توانستند به عنوان مرجع فقهی و مجتهد تراز اول شناخته شوند (دوانی، ۱۳۷۱: ۳۸۵ - ۳۸۷).

امت- تمدن‌سازی در نظام انقلابی

نگاه فرامرزی، منطق امت‌محوری و جهان‌وطنی نظام انقلابی قدرت بازیگری این دولت را توسعه می‌دهد؛ در حالی که در تئوری دولت- ملت‌سازی از دید دانشمندان غربی که خود را قیم بشر و به ویژه جهان سوم می‌دانند، غرب مهد دولت- ملت‌سازی است. دانشمندان غربی معتقدند در جهان سوم دو رهیافت اصلی وجود دارد: نخست، به اعتقاد برخی نظریه‌پردازان، ملت- دولت‌سازی در کشورهای اسلامی و جهان سوم از طریق یک کشور خارجی یا سازمان ملل انجام می‌شود. نوع دیگر دولت- ملت‌سازی مربوط به نظریه‌ای است که طی موافقت‌نامه‌ای کشورهای ثروتمند و توسعه‌یافته تعهد می‌کنند دولت‌های ضعیف را در اصلاح امور یاری رسانند. این‌گونه اقدامات معمولاً در زمینه همکاری اقتصادی و توسعه روی می‌دهد. در مجموع اندیشمندان غربی جهان سوم را برای دولت- ملت‌سازی ناتوان می‌دانند و معتقدند باید دولت‌سازی در جهان سوم از خارج اعمال شود تا به ملت‌سازی برسند.

با این حال نوع نگاه مکتب نظام انقلابی به مقوله تمدن‌نویین، از سایر مکاتب پراگماتیک رایج امروز متفاوت است. برخلاف نگاه سایرین که منبعث از واقع‌گرایی مادی و آینده‌پژوهی مبتنی بر تحلیل سناریوهای ممکن است، در تفکر نظام انقلابی، انگاره تمدن‌سازی نوین اسلامی با یک آرمان موعود به نام «مهدویت» گره خورده است و در حدود و ثغور آن تفسیر می‌شود. در این نگرش، واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی در نسبت با تمدن‌سازی، توأمان



دنبال می‌شود و از هیچ‌کدام غفلت نمی‌شود؛ به این معنا که فرایند بسترسازی رویداد موعود مبتنی بر نگرشی واقع‌گرایانه و با تکیه بر مؤلفه‌های کاملاً ملموس، منطقی و میدانی است و ابتدای چشم‌انداز آرمانی آن بر امداد موسع الهی و متکی بر برکات موعود در آیات و روایات خواهد بود. تحقق عدالت، توحید، علم و حکمت، رشد عقول، رفاه و آبادانی، امنیت و آرامش، فراوانی و برکت و ... از اوصاف تمدن موعود در روایات ائمه معصومین (ع) است؛ اما توجه دقیق به این شاخصه‌ها حاکی از آن است که آنها صرفاً در یک مقدار مشخص محدود نمی‌شوند، بلکه قابل ارتقا هستند. از این رو، در تمدن آرمانی موعود، حرکت در جهت بهبود شاخصه‌های تمدنی، یک روند مستمر الی الابد است. به عبارت دیگر، «بشریت دارد همین‌طور این راه را طی می‌کند تا به اتوبان برسد؛ این اتوبان، دوران مهدویت است ... این جور نیست که وقتی به آنجا رسیدیم، یک حرکت دفعی انجام بگیرد و بعد هم تمام بشود؛ نه، آنجا یک مسیر است. زندگی اصلی بشر و حیات مطلوب بشر، از آنجا آغاز می‌شود و بشریت تازه می‌افتد در راهی که این راه، یک صراط مستقیم است و او را به مقصد آفرینش می‌رساند» (بیانات رهبری، ۱۳۹۳). «بنابراین در بیان چپستی تمدن نوین اسلامی، این تمدن، ماهیتی سیال و از جنس حرکت خواهد داشت و نه از جنس موقعیت و مقصد؛ چرا که این ضرورت یک تمدن پویا و روان به سوی «هدف نهایی، تعالی و تکامل و قرب الهی است» (بیانات رهبری، ۱۳۹۰). در این راستا، انقلاب اسلامی ایران، به گفته امام در صحیفه نور (امام، ۱۳۶۱، ج ۲۱: ۱۸۰) و همچنین بیان مقام معظم رهبری، آغازی بر شکل‌گیری جریان تمدن‌ساز موعود است. پدیده انقلاب اسلامی در حقیقت، نه یک مقطع تاریخی پایان‌پذیر، بلکه یک حرکت مستمر و پیشرونده به سوی افقی مشخص و معین است که میثاق خود را تا اتصال به جریان عظیم موعود محکم می‌کند (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۶: ۲۳۰).

البته این سؤال مطرح است که به‌رغم آرمان بلند انقلاب، چرا موقعیت کشور در زوایای مختلف همواره دچار فاصله‌ای معنادار با چشم‌انداز حکومت مهدوی بوده است؟ (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱: ۴۰۹) در این شرایط، نسبتی که میان انقلاب اسلامی در ایران و آرمان تمدن موعود، متصور است در توجه به ماهیت حرکتی انقلاب نهفته است. واژه انقلاب اسلامی در معنای صحیح خود، نه یک وضعیت بی‌عیب و نقص، بلکه روندی مستمر، رو به جلو و سازنده است که دائماً در حال اصلاح فرایندها و تطبیق خود بر اصول اسلام است



(بیانات رهبری، ۱۳۹۰). با تفسیر این معنا در دکترین مهدویت، انقلاب اسلامی جریانی است که علی‌الدوام، مسیر بسترسازی را با قطب‌نمای چشم‌انداز موعود، منطبق و خطاهای خود را اصلاح می‌کند. در یک نگاه کلان به سیر حرکت انقلاب اسلامی ایران، می‌توان مشاهده کرد که به رغم همه کاستی‌ها و نواقص و با وجود فشارها و دشمنی‌ها، مبانی حرکت و خطوط قرمز اصولی، مورد اهتمام حاکمیت و توده‌ها بوده و حرکت پیشرونده انقلاب، ادامه‌دار مانده است (بیانات رهبری، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۲). در عین حال، همسویی با آرمان مهدویت اهتمام دیگر حرکت انقلاب اسلامی ایران است که با جهت‌گیری‌های اصیل و ویژگی‌های اصولی خود، به آن وفادار مانده است (بیانات رهبری، ۱۳۶۸). فراتر از اینها، انقلاب اسلامی ایران با عزم راسخ و مقاومت و اصرار بر اصول، الهام‌بخش قلوب سلیم در خارج از مرزها بوده که این خود رویش‌های جدیدی را به دنبال داشته و خواهد داشت؛ تا آنجا که امتداد فرامرزی انقلاب، در مواردی، حتی بیش از داخل، به فرایند بسترسازی رونق بخشیده است (بیانات رهبری، ۱۳۹۰).

به این ترتیب و با استناد به سخنان امام(ره) و مقام معظم رهبری، انقلاب اسلامی را باید یک مقیاس کوچک از جریان جهانی موعود به شمار آورد که می‌توان با تکیه بر تجارب میدانی آن، به شناسایی ویژگی‌های حرکت تمدن نوین اسلامی پرداخت.

فرایند ساختاری تحقق تمدن نوین اسلامی

تمدن نوین اسلامی به ترتیب در پنج مرحله زیر محقق خواهد شد.

مرحله اول: انقلاب اسلامی

«ما ملت مسلمانی هستیم. این ملت، با اراده راسخ عمومی توانسته است يك نظام مطابق با ایمان و اعتقاد خود را در این کشور روی کار بیاورد. هدف این نظام چیست؟ هدف این ملت چه بود؟ هدف این بود که این کشور با این نظام بتواند از همه خوبی‌ها و پیشرفت‌ها و خیرات و برکاتی که خدای متعال به ملت‌های مؤمن وعده داده است، برخوردار شود؛ یعنی يك کشور اسلامی بشود» (بیانات رهبری، ۸۴/۵/۲۸). «برای اینکه این کار تحقق پیدا کند، در درجه اول ما يك حرکت انقلابی لازم داشتیم؛ برای اینکه بنای ضایع و پوسیده و کج و بدبنیان رژیم‌های



استبدادی را از بین ببریم. این کار را ملت با کمال قدرت و با موفقیت کامل انجام داد» (بیانات رهبری، ۸۴/۵/۲۸). «قدم اول که پُرهیجان‌تر و پُرسروصداتر از همه است، ایجاد انقلاب اسلامی است. کار آسانی نبود؛ لیکن این آسان‌ترین است» (بیانات رهبری، ۸۰/۹/۲۱).

مرحله دوم: تشکیل نظام اسلامی

«انقلاب که تحقق پیدا کرد، بلافاصله بعد از آن، تحقق نظام اسلامی است. نظام اسلامی، یعنی طرح مهندسی و شکل کلی اسلامی را در جایی پیاده کردن. مثل اینکه وقتی در کشور ما نظام سلطنتی استبدادی فردی موروثی اشرافی وابسته برداشته شد، به جای آن، نظام دینی تقوایی مردمی‌گزینشی جایگزین می‌شود؛ با همین شکل کلی که قانون اساسی برایش معین کرده، تحقق پیدا می‌کند؛ یعنی نظام اسلامی» (بیانات رهبری، ۷۹/۹/۱۲). «قدم بعدی، ترتب نظام اسلامی بر انقلاب اسلامی است؛ یعنی ایجاد نظام اسلامی، که گفتیم نظام اسلامی، یعنی هندسه عمومی جامعه، اسلامی بشود که این هم شد» (بیانات رهبری، ۸۰/۹/۲۱).

مرحله سوم: تشکیل دولت اسلامی

«این مرحله سوم است که از آن تعبیر به ایجاد دولت اسلامی می‌کنیم. نظام اسلامی قبلاً آمده، اکنون دولت باید اسلامی شود. دولت به معنای عام، نه به معنای هیئت وزرا؛ یعنی قوای سه‌گانه، مسئولان کشور، رهبری و همه» (بیانات رهبری، ۷۹/۹/۱۲). «قدم بعدی که از اینها دشوارتر است ایجاد دولت اسلامی است. دولت نه به معنای هیئت وزیران؛ یعنی مجموعه کارگزاران حکومت؛ یعنی من و شما. ما باید به معنای واقعی کلمه، در درون این نظام اسلامی، اسلامی شویم. این مشکل‌تر از مراحل قبلی است. بعد از آنکه نظام اسلامی پیش آمد، نوبت به تشکیل دولت اسلامی به معنای حقیقی می‌رسد؛ یا به تعبیر روشن‌تر، تشکیل منش و روش دولتمردان یعنی ماها به گونه اسلامی؛ چون این در وهله اول فراهم نیست؛ به تدریج و با تلاش باید به وجود آید. مسئولان و دولتمردان باید خودشان را با ضوابط و شرایطی که متعلق به یک مسئول دولت اسلامی است، تطبیق کنند. یا چنان افرادی اگر هستند سر کار بیایند؛ یا اگر ناقص‌اند، خودشان را به سمت کمال در آن جهت حرکت دهند و پیش ببرند» (بیانات رهبری، ۸۰/۹/۲۱). «برای اینکه آن مقصود یعنی کشور اسلامی به



طور کامل محقق شود، احتیاج است که دستگاه حاکمه کشور در عمل خود، در سازماندهی خود و در چگونگی رفتار خود، به طور کامل اسلامی عمل کند که من چند سال قبل عرض کردم که مرحله بعد از نظام اسلامی، دولت اسلامی است. در این راه هم حرکت کردیم. مسئولان مؤمنی، وزرای خوبی، نمایندگان خوبی، رؤسای جمهور با ایمانی، یکی پس از دیگری امور کشور را بر عهده گرفتند؛ اما دولت اسلامی که بتواند مقاصد را که ملت ایران و انقلاب عظیم آنها داشت، تأمین کند، دولتی است که در آن رشوه نباشد، فساد اداری نباشد، ویژه‌خواری نباشد، کم‌کاری نباشد، بی‌اعتنایی به مردم نباشد، میل به اشرافی‌گری نباشد، حیف و میل بیت‌المال نباشد، و دیگر چیزهایی که در یک دولت اسلامی لازم است. در تعالیم امیرالمؤمنین (ع) در نهج‌البلاغه، همه اینها وجود دارد.»

مرحله چهارم: تشکیل جامعه یا کشور اسلامی

«مرحله چهارم که بعد از این است کشور اسلامی است. اگر دولت به معنای واقعی کلمه اسلامی شد، آن‌گاه کشور به معنای واقعی کلمه اسلامی خواهد شد؛ عدالت مستقر خواهد شد؛ تبعیض از بین خواهد رفت؛ فقر به تدریج ریشه‌کن می‌شود؛ عزت حقیقی برای مردم به وجود می‌آید؛ جایگاهش در روابط بین‌الملل ارتقا پیدا می‌کند؛ این می‌شود کشور اسلامی» (بیانات رهبری، ۷۹/۹/۱۲). «اگر به توفیق الهی بتوانیم در این جهت خود را کامل کنیم و قدم‌هایی را که تا امروز بحمدالله برداشته شده، کامل کنیم، آن وقت کشور اسلامی به همان شکلی که گفتیم، به وجود خواهد آمد؛ یعنی دولت اسلامی می‌تواند کشور اسلامی به وجود بیاورد.»

مرحله پنجم: احیای تمدن اسلامی (امت، تمدن)

«از این مرحله که عبور کنیم، بعد از آن، دنیای اسلامی است. از کشور اسلامی می‌شود دنیای اسلامی درست کرد. الگو که درست شد، نظایرش در دنیا به وجود می‌آید» (بیانات رهبری، ۷۹/۹/۱۲). «وقتی کشور اسلامی پدید آمد، تمدن اسلامی به وجود خواهد آمد؛ آن وقت فرهنگ اسلامی فضای عمومی بشریت را فرا خواهد گرفت. اینها همه‌اش با مراقبت و با تقوا عملی است؛ تقوای فردی و تقوای جماعت و امت. اگر توانستیم این مرحله را به سلامت طی کنیم که از همت مردان و زنان مؤمن، این چیزها اصلاً بعید نیست، آن وقت مرحله



بعدی، ایجاددنیای اسلام است. ببینید؛ فرایند تحقق نظام اسلامی، همین طور قدم به قدم به نتایج نهایی خود نزدیک می‌شود. نمی‌شود توقع داشت که من و شما خود را اصلاح نکنیم؛ اما دنیا را اصلاح کرده باشیم یا کشور، اسلامی شود؛ نه. ما باید به خود بپردازیم. پس یکی از چیزهایی که ما لازم داریم، استقامت و پایداری است. استقامت، یعنی مسیر و جهت‌گیری را گم نکنیم و مرتب خطاها را اصلاح کنیم و از اینکه به ما بگویند خطا کرده‌اید، بدمان نیاید» (بیانات رهبری، ۸۰/۹/۲۱).

تکالیف در مرحله پنجم برای ایجاد تمدن اسلامی، تمدن بین‌الملل اسلامی، امت اسلامی، دنیای اسلامی و ... عبارت است از:

۱. طراحی الگوی کارآمد و پرجاذبه برای اداره کشور بر اساس قوانین اسلامی و ارائه آن؛
۲. طراحی و ارائه الگوی حکومت اسلامی (بدون ولایت فقیه) برای کشورهای مسلمان اهل سایر فرق اسلامی به ویژه کشورهای درگیر بیداری اسلامی؛
۳. شناسایی چالش‌ها و موانع شکل‌گیری اتحاد امت اسلامی و ارائه راهکارهایی برای فائق آمدن بر آن چالش‌ها و رفع موانع.

موانع پیش روی تحقق نظام انقلابی

نظام انقلابی در حال حاضر و در آینده با سه مانع اساسی نظام سلطه، نژادپرستی و افراط‌گرایی مواجه است.

۱. نظام سلطه (قدرت هژمونی)

در قرن نوزدهم نظام سلطه انگلیس فروپاشید. در قرن بیستم نظم لیبرالیستی بین‌المللی، در نیمه اول قرن، فاشیسم و نازیسم و در نیمه دوم آن، کمونیسم را دشمن و رقیب خود می‌دانست که براساس آن آمریکا راهبرد کلان خود را تنظیم کرد. در قرن بیستم نیز کمونیسم از درون فروپاشید. در قرن بیست و یکم، به رغم وجود چالشگر جغرافیایی همچون چین، که هنوز چالشگر بالفعل به عنوان رقیب نظم لیبرالیستی بین‌المللی نشده بود، گرایش به اسلام که پس از انقلاب اسلامی به وجود آمد، به عنوان چالشگر بالقوه ایدئولوژیک، راهبرد کلان آمریکا را به عنوان تهدید اصلی متوجه خود کرد. حادثه یازدهم سپتامبر، فرصت و بهانه لازم را برای



آمریکا به وجود آورد تا جهان اسلام را تروریست و خشونت طلب معرفی کند. آمریکا طرح خاورمیانه بزرگ را به عنوان راه‌حل نجات خاورمیانه از خطر تروریسم ارائه کرد. در واقع طرح خاورمیانه بزرگ به دنبال فرصت مشارکت برای جوانان و بانوان در صحنه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی از نوع مدل غربی بود تا از گرایش آنان به اسلام جلوگیری کند (جمعی از پژوهشگران، ۱۳۸۹: ۳۸).

آمریکا برای تحقق طرح خاورمیانه بزرگ، کشور افغانستان را در سال ۲۰۰۱ و کشور عراق را در سال ۲۰۰۳ اشغال و اعلام کرد عراق دروازه ورود به طرح خاورمیانه بزرگ است. در عراق جبهه مقاومت طرح آمریکا را با شکست مواجه کرد و در نتیجه آمریکا مجبور شد در سال ۲۰۱۱ از این کشور خارج شود. آمریکا پس از شکست در عراق، طرح خاورمیانه جدید را جایگزین کرد. در نتیجه سال ۲۰۰۶ طرح خاورمیانه جدید را با هدف تجزیه جهان اسلام به دو یست کشور در لبنان کلید زد. در لبنان نیز طرح خاورمیانه جدید آمریکا را جبهه مقاومت با محوریت حزب الله متوقف کرد.

۲. نژادپرستی

صاحبان اندیشه نژادپرستی اصولاً فارغ از قید و بندهای دینی و انسانی از هر وسیله‌ای برای نیل به اهداف خود استفاده می‌کنند. از دهه‌های گذشته وقتی واژه نژادپرستی مطرح شد، انگشت اشاره به سوی نازیسم، آمریکا و صهیونیست‌ها نشانه رفت؛ به ویژه کشور اسرائیل که در سایه جنگ، تروریسم و سیاست تخریب، کوچ و حذف کامل ملت فلسطین شکل گرفته است. سپس ماشین تبلیغات غربی - صهیونیستی پس از به‌کارگیری تروریسم نژادی کوشید تروریسمی با شکل اسلامی ایجاد کند (ابوعرجه، ۱۹۶۶: ۱۲).

قبل از تشکیل اسرائیل همه سازمان‌های صهیونیستی برای تحقق اهداف خود به صورت مخفی و آشکار فجع‌ترین شکل‌های تروریسم را با استفاده از همه وسایل به کار می‌گرفتند. این سازمان‌ها عبارت بودند از: هاگانا که نام اختصاری سازمان نظامی مخفی یهودی است که در ۲۰ ژوئن ۱۹۲۰ در طبریا تأسیس شد و تعداد زیادی از صهیونیست‌ها به صفوف آن پیوستند از جمله دیوید بن‌گورین، لوی اشکول، موشه دایان، اسحاق رابین و شیمون پرز (ملفات الارهاب الصهیونی، ۱۹۹۸: ۸). پس از آن گروه تروریستی شترون در سال ۱۹۳۹



شکل گرفت و پس از قتل شترون در سال ۱۹۴۲ گروه «لیحی» تشکیل شد. سپس حزب تروریستی حیروت به رهبری بگین ایجاد و در سال ۱۹۶۵ به حزب «جاحال» تبدیل شد. از سوی دیگر حزب لیحی، حزب مولیدت را که بعدها به لیکود تبدیل شد و شعار آن «پاکسازی نژادی» بود، تقویت کرد (فوزی، ۱۳۸۶: ۴۷۱).

۳. افراط‌گرایی مذهبی

افراط‌گرایی مذهبی در همه ادیان و مذاهب از عوامل مهم تولید اندیشه تروریسم است. در مذهب شیعه بهائیت و در مذهب اهل تسنن وهابیت از دو قرن پیش توسط قدرت سلطه وقت یعنی انگلیس پایه‌گذاری شدند. هر دو جریان افراطی را علمای شیعه و سنی مطرود کردند و سپس توسط مردم از صحنه سیاسی- مذهبی حذف شدند، ولی باقی‌مانده آنها با حمایت انگلیس وارد فعالیت پنهان شدند. در قرن بیستم جریان افراطی- مذهبی وهابیت با نام «مجاهدین عرب-افغان» با مدیریت آمریکا ابتدا علیه شوروی در افغانستان مجدداً احیا شد تا جایی که در آغاز شکل‌گیری این سازمان، کارتر، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، خدمات و مجاهدت بن لادن را ستود و از او به عنوان قهرمان یاد کرد.

پس از فروپاشی شوروی، از اهمیت آنها در سیاست خارجی آمریکا کاسته شد و هم‌زمان با اشغال افغانستان و عراق، آمریکا تروریسم اسلامی را وارد محیط بحران عراق کرد. کریستوفر معتقد است: مسلمانان مبارز به دو علت از آمریکا اعلام تنفر می‌کنند: اشغال نظامی عراق، افغانستان و اشغال سیاسی عربستان (و اماکن مقدس آن)، و توسعه نامنی و فقر در این دو کشور و مهم‌تر از آنها حمایت از اشغال بیت‌المقدس. در نتیجه در سال ۱۹۸۸ سازمان القاعده علیه آمریکا اعلام جهاد کرد که «کشتن آمریکایی‌ها و هم‌پیمانان آنها- نظامی و غیرنظامی- یک وظیفه فردی برای هر مسلمان است» (کریستوفر، ۱۳۸۴: ۲۲۷).

درگیری بخشی از القاعده و همکاری بخش دیگر آنها با آمریکا فرصتی شد تا آمریکا و اسرائیل در مقابله با شیعه از القاعده، طالبان و جریان‌های افراطی استفاده کنند. آمریکا برای پیشبرد اهداف خود در عراق توسعه تروریست افراطی را در برنامه خود قرار داد و جریان‌های زرقاوی، القاعده عراق، داعش و ... را در منطقه علیه مخالفین خود به ویژه علیه شیعیان و ایران به کار گرفت.



نظام انقلابی در افق آینده جهان

کشور ایران که در اواخر سده نوزدهم، به ویژه بعد از شکست‌های پی در پی در جنگ‌های مختلف با روسیه تزاری تضعیف شده بود و در مقابل تهاجمات نظامی، سیاسی و فرهنگی قدرت‌های سلطه‌گر زمان، تاب مقاومت نداشت و با توجه به موقعیت استراتژیک از دوران صفویه، صحنه رقابت قدرت‌های بیگانه شده بود، تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی جولانگاه نفوذ و رقابت قدرت‌های جهان بود. بدین ترتیب، قبل از جنگ جهانی اول، ایران تحت نفوذ و رقابت انگلیس و روسیه تزاری بود و بین دو جنگ، سلطه بلامنافع انگلیس را پذیرا شد و بعد از جنگ جهانی دوم نیز آمریکا به عنوان ابرقدرت جدید، نقش برتر را در تحولات سیاسی و اجتماعی ایران پیدا کرد. نکته جالب اینکه نهضت‌های ضد استبدادی و ضد استعماری در ایران مانند نهضت مشروطه یا ملی شدن صنعت نفت که در این دوران شکل گرفتند و به پیروزی رسیدند، در عین اصالت مردمی، فارغ از دخالت و حمایت بعضی از قدرت‌های بیگانه نبودند. در نهضت مشروطه، دولت استعماری انگلیس برای کسب نفوذ بیشتر در قبال روسیه تزاری از مشروطه‌خواهان حمایت می‌کرد و در نهضت ملی شدن نفت نیز آمریکایی‌ها برای اخذ سهمیه‌ای از نفت ایران به حمایت از جبهه ملی برخاستند.

اولین جرعه حرکت مستقل از نفوذ بیگانگان، نهضت اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) بود که در سال‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۶۱ و در اوج جنگ سرد و حاکمیت بلامعارض نظام دوقطبی شکل گرفت. امام خمینی (ره) با طرح این جمله معروف که «آمریکا از انگلیس بدتر، انگلیس از آمریکا بدتر و شوروی از هر دو بدتر، و همه از هم پلیدتر است» (صحیفه نور، ج ۱: ۱۰۵) یا این مطلب که «ما با کمونیزم بین‌الملل به همان اندازه در ستیزیم که با جهان‌خواران غرب به سرکردگی آمریکا» (صحیفه نور، ج ۱۲: ۱۹)، اولین فریاد رسای خود را علیه نظام ظالمانه و سلطه‌گران جهانی بلند کرد. در حقیقت، نهضت اسلامی، اولین حرکت مردمی بود که به نمایندگی از همه مظلومان، تضادها و رقابت موجود میان قدرت‌های بزرگ جهانی را صرفاً برای تقسیم غنائم خواند و سیاست قطب‌های شرق و غرب را به نفع ملت‌ها تلقی نکرد. نکته جالب‌تر اینکه دو ابرقدرت جهانی و سایر قدرت‌های بزرگ در شرق و غرب نیز به رغم رقابت و خصومت‌های شدید خود که در صحنه بین‌الملل بروز عینی داشت، نهضت اسلامی را به اتفاق، حرکتی ارتجاعی دانستند و آن را به ویژه بعد از قیام ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ محکوم

کردند. با اوج‌گیری انقلاب اسلامی در سال‌های ۵۷-۵۶ و طرح شعار «نه شرقی- نه غربی، جمهوری اسلامی»، این نهضت، شیوه و راهبرد مستقل خود را در تقابل با نظام زورمداران جهانی ادامه داد و در حالی به پیروزی رسید که نه تنها هیچ دولتی از مجموعه دولت‌های جهانی به ویژه بازیگران اصلی نظام دوقطبی از انقلاب حمایت نکردند، بلکه رژیم مستبد و تحت سلطه شاه مورد حمایت قدرت‌های بزرگ شرق و غرب مانند اتحاد جماهیر شوروی، چین، ایالات متحده آمریکا و انگلیس قرار داشت و این ناشی از موضعی بود که انقلاب اسلامی علیه نظام سلطه اتخاذ کرده بود. امام خمینی (ره) در همین زمینه می‌فرماید: «این انقلاب اسلامی، یک انقلاب عادی نیست و متکی به هیچ‌یک از دو قطب شرق و غرب نمی‌باشد. از این جهت، ویژگی‌های خاص خود را داشته و دارد و با پیمودن صراط مستقیم لاشریقه و لاغریه در مقابل هر دو قطب ایستاده است و از هیچ‌یک از قدرت‌های افسانه‌ای نهراسیده است که همین موجب پیروزی‌های معجزه‌آسایی گردید» (صحیفه نور، ج ۱۹: ۵).

بعد از فروپاشی نظام دوقطبی و طرح نظام سلسله مراتبی و به عبارت دیگر نظام تک‌قطبی، انقلاب اسلامی همچنان موضع آشتی‌ناپذیر خود را با نظام‌های ظالمانه که دست‌پخت قدرت‌های بزرگ بودند، حفظ کرد و به عنوان اولین «متمرد» و نافرمان در نظام تک‌قطبی شناخته شد. دولت آمریکا تلاش خستگی‌ناپذیری را برای تنبیه این «متمرد» از نظام تک‌قطبی به کار برد تا بتواند با تحکیم و تثبیت قدرت خود این نظام نوپای ضد سلطه را تسلیم کند و تسلط خود را بر جامعه جهانی عینیت بخشد. رهبر انقلاب فرمودند: «استعمارگران به دست عمال سیاسی خود که بر مردم مسلط شده‌اند، نظام اقتصادی ظالمانه‌ای را تحمیل کرده‌اند و بر اثر آن، مردم به دو دسته تقسیم شده‌اند: ظالم و مظلوم...» (امام خمینی، ۱۳۶۹: ۴۲-۴۳).

انقلاب اسلامی مانند هر انقلابی و بنا بر ماهیت، برنامه و اهداف خود، مفاهیم، واژه‌ها و اصطلاحات ویژه‌ای را به ارمغان آورده است که بعضی از آنها خود دنیایی خاص از اندیشه‌ای ناب را دربردارند. از جمله این واژه‌ها و اصطلاحات نوین عناوینی مانند مستضعفان، مستکبران، جهان استکباری، مقاومت، حاکمیت مستضعفان و نظام سلطه هستند. انقلاب اسلامی و رهبری آن نه تنها نظریات حاکم بر روابط بین‌الملل و نظام سلطه جهانی موجود را که نشئت گرفته از اندیشه‌های ماکیاوول، هابز و هانس مورگنتا هستند و حق را با زور می‌دانند، مردود دانسته‌اند، بلکه بر این اعتقاد و نظریه حرکت کرده‌اند که «سلامت و صلح جهان بسته



به انقراض مستکبرین است و تا این سلطه‌طلبان بی‌فرهنگ در زمین هستند، مستضعفین به ارث خود که خدای تعالی به آنها عنایت فرموده، نمی‌رسند» و «حکومت پابرهنگان حق است» (امام خمینی، ۱۳۶۹: ۴۳-۴۲).

اندیشمندان اسلامی چون سید قطب و... همواره دارالاسلام و دارالکفر را مطرح می‌کردند؛ در حالی که امام بحث مستضعف و مستکبر را از منظر قرآن مطرح کرد. هانری کربن می‌گوید: «اعتقاد من این است که مذهب تشیع، یک مذهب اصیل و پابرجاست و دارای مشخصات یک مذهب حقیقی است» (کربن، ۱۳۳۸: ۱۳). از این رو این مذهب با اتکا به مبانی اعتقادی و موقعیت ژئوپلیتیکی خود می‌تواند در صحنه بین‌الملل در جهت برقراری عدالت توأم با معنویت، جبهه مقاومت را برای مقابله با نظام سلطه جهانی به وجود آورد و از مستضعفین جهان حمایت کند که در رسالت همه انبیا الهی در طول تاریخ نهفته بوده است. البته تا تحقق این مهم باید هزینه‌های بسیاری در مقابله با نظام سلطه و عوامل دست‌نشانده آنها پردازد و بر مبارزه خود استقامت کند. امروز با شکل‌گیری جبهه مقاومت، بنیان این تجدد گذاشته شده و روند روبه پیش داشته است و در صورتی که بر وعده‌های الهی تکیه و اعتماد خود را به قدرت الهی متصل کند، طبق وعده الهی پیروز خواهد شد و این وعده‌ای است که به همه انبیای الهی داده شده است.

نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی در رویارویی با نظام سلطه جهانی در دفاع از اصول مبتنی بر قوانین الهی در تلاش است با تشکیل جبهه مقاومت نه تنها از ارزش‌های دینی و انسانی دفاع کند، بلکه می‌کوشد تحقق تمدن نوین اسلامی را بنیان نهد. نظریه نظام انقلابی برگرفته از توفیقات انقلاب اسلامی، بستری برای حرکت به سوی تمدن‌سازی است. نظام اسلامی در تعامل با مدرنیته و با عبور از موانع پیش رو، مدل حکومتی جمهوری و اسلامیت را تجربه کرده و در مدت چهار دهه برخلاف دشمنی‌های بسیار، دستاوردهای بزرگی داشته است. این موفقیت‌ها حرکت خود را به سوی افق تحقق تمدن نوین آغاز کرده است. در صورتی که شاخص‌های تمدن‌ساز نظام انقلابی در حکومت اسلامی مورد توجه قرار گیرد حرکت به سوی تحقق آرمان‌ها مهیا خواهد شد.



در این مقاله شاخص‌های تمدن‌ساز نظام انقلابی از دید امامین انقلاب و برخی اندیشمندان اسلامی مورد بررسی قرار گرفته و در قالب مدل مفهومی ارائه شده است. در این شاخص‌ها محوریت قوانین قرآن، برای هم‌افزایی دو مجموعه مدیریت جهادی و الزامات نظام انقلابی با همدیگر در تعامل خواهند بود تا نظام انقلابی یا حکومت اسلامی را برای شکل‌دهی جامعه یا کشور اسلامی مهیا کنند.

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در تبیین افق آینده، مسیر امت و جامعه را با حرکت جهادی و انقلابی به سوی آینده روشن رهنمون می‌سازد. در این بیانیه نگاه مقام معظم رهبری در چگونگی تحقق شاخص‌های تمدن‌ساز نظام انقلابی ترسیم شده است. در چشم‌انداز تمدن نوین، امت-تمدن‌سازی به جای دولت-ملت‌سازی برای ایجاد وحدت جهان اسلام مورد توجه واقع شده است. موانع پیش روی تحقق تمدن نوین، نظام سلطه با محوریت آمریکا، نژادپرستی با محوریت اسرائیل و افراط‌گرایی و تکفیر با مشارکت آمریکا، اسرائیل و کشورهای چوچون عربستان از موانع اصلی برای حرکت نظام انقلابی به جلو است که بحمدلله انقلاب اسلامی در گام اول انقلاب توانسته است در جبهه مقاومت، تمام طرح‌های دشمن را با شکست مواجه کند و در داخل کشور نیز مردم علاوه بر مقاومت و ایستادگی در مقابل تحریم‌های دشمن، با تحریکات مخالفین نظام و فتنه‌گران نیز مقابله به موقع و جدی داشته‌اند. در واقع امروزه در منطقه، نظام اسلامی به ائتلاف مقاومت در کشورهای منطقه تبدیل شده و توانسته است اسرائیل و آمریکا را به واکنش وادارد و در مقابل تکفیر نیز با نابود کردن داعش در عراق و سوریه، بساط امارت داعش را برچیند.

برخورد اخیر آمریکا در به شهادت رساندن سید الشهدای مقاومت، شهید حاج قاسم سلیمانی، و هم‌زمانش در حوزه مقاومت، نه تنها خشم مسلمانان را برانگیخت، بلکه پیوند جریان‌های مقاومت را دوچندان کرد و دو کشور ایران و عراق را به ائتلاف جدی علیه حضور آمریکا در عراق و منطقه رساند. شهادت حاج قاسم علاوه بر پیوند قوی بین اجزای مقاومت زمینه اخراج آمریکا از منطقه را نیز کلید زد. از دستاوردهای دیگر این شهادت انسجام قوی در داخل ایران و روشن شدن ماهیت آمریکا برای کسانی بود که همچنان به دوستی و مذاکره با آمریکا دل‌بسته بودند و تنها راه نجات کشور را مذاکره با آمریکا می‌دانستند. مهم‌تر از آن حضور و مطالبه‌گری مردم ایران برای مقابله با آمریکا تکلیف دولت و نهادهای انقلابی را روشن‌تر کرد.



منابع

- قرآن کریم

- نهج البلاغه

- امام خمینی (ره) و بیانات مقام معظم رهبری به مناسبت‌های مختلف.

- ابن کثیر، اسماعیل عمرو (۱۴۱۹ق)، تفسیر القرآن العظیم، ج ۶، تحقیق محمدحسین شمس‌الدین، بیروت: دارالکتب العلمیه.

- ابوعرجه، تیسیر، (۱۹۶۶/۵/۵)، ندوه الدستور، الملف السیاسی.

- اسکاچپول، تدا (۱۳۷۹)، «دولت تحصیل دارو اسلام شیعه در انقلاب ایران»، در: عبدالوهاب فراتی، رهیافت‌های نظری بر انقلاب اسلامی، قم: انتشارات معارف.

- اسکاچپول، تدا (۱۳۷۶)، دولت‌ها و انقلاب‌های اجتماعی، ترجمه سید مجید روئین‌تن، ج ۱، تهران: سروش.

- اسماعیلی حمیدرضا (۱۳۹۱)، رساله‌ای در شناخت ایدئولوژی، تهران: نشر دانشگاه امام صادق (ع).

- اصرار (۱۹۹۸م)، ملفات الارهاب الصهيونی، مجازرو و ممارسات، عمان: دارالجلیل للنشر.

- اکبری، مرتضی (۱۳۹۰)، درآمدی بر آموزش در اسلام و ایران، ایلام: جوهر حیات.

- بخاری، ابوعبدالله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم (۱۹۸۱م)، صحیح بخاری، ج ۱، ترکیه: انتشارات معاصر استانبول.

- پدرام، مسعود (۱۳۸۲)، روشنفکران دینی و مدرنیته در ایران پس از انقلاب، تهران: نشر گام نو.

- جمعی از پژوهشگران مرکز تحقیقات استراتژیک (۱۳۸۹)، آشنایی با کشورهای اسلامی، مشعر: ۳- ۳۴، بهار.

- حرّانی، شیخ ابومحمّد (۱۳۷۸)، تحف العقول عن آل الرسول، ترجمه صادق حسن‌زاده، ج ۱۰، قم: نشر آل علی.

- حسن، ابراهیم حسن (۱۳۸۶)، تاریخ سیاسی اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۲، تهران: انتشارات بدرقه جاویدان.

- حقیقت، سیدصادق (۱۳۸۳)، مسئله‌شناسی مطالعات سیاسی اسلام، قم: نشر بوستان کتاب.

- خمینی، روح‌الله (امام) (۱۳۶۹)، «شئون و اختیارات ولایت فقیه»، ترجمه مبحث ولایت فقیه از

کتاب البیع، ج ۲، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- خمینی، روح‌الله (امام) (۱۳۷۷)، شرح چهل حدیث، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خمینی، روح‌الله (امام) (۱۳۷۸)، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- دوانی، علی (۱۳۷۱)، زندگانی زعیم بزرگ عالم تشیع: آیت‌الله بروجردی، تهران: نشر مطهر.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۹۰)، «قرآن و اقتصاد»، پژوهشنامه معارف قرآن کریم، ش ۱۱، تابستان.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴)، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۳ و ۱۴، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، چ ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۰)، مجمع‌الابیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۷، مترجمان، تحقیق رضا ستوده، تهران.
- عمیدزنجانی، عباسعلی (۱۳۷۸)، «تأملی در فقه سیاسی شیعه»، فصلنامه علوم سیاسی، ش ۴، تهران.
- فوزی، یحیی (۱۳۸۶)، «اسلام و تروریسم»، مجموعه مقالات تروریسم و حقوق بین‌الملل، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- قربانی، زین‌العابدین (۱۳۷۰)، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، تهران: انتشارات دفتر فرهنگ اسلامی.
- کاتوزیان، محمدعلی همایون (۱۳۷۲)، استبداد، دمکراسی و نهضت ملی، تهران: نشر مرکز.
- کاتوزیان، محمدعلی همایون (۱۳۸۰)، تضاد دولت و ملت، نظریه تاریخ و سیاست در ایران، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی.
- کربن، هانری (۱۳۳۸)، شگفتی فلسفه از ابن سینا تا ابن رشد، ترجمه عیسی سپهبندی، تهران: نشر دانشکده ادبیات.
- کلینی رازی، ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷)، اصول کافی، ج ۱ و ۲، تعلیقات محمد آخوندی، تهران: نشر حیدری.
- کمالی اردکانی، علی اکبر (۱۳۸۲)، «نگاه تاریخی به سیر تحول مردم‌سالاری در اندیشه متفکران مسلمان»، فصلنامه راهبرد، ش ۲۲۷، تهران.
- مجتهدزاده شبستری، محمد (۱۳۷۹)، نقدی بر قرائت رسمی از دین، تهران: نشر طرح نو.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴)، بحار الأنوار، ج ۴۹ و ۵۳، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۱)، درآمدی نظری بر جنبش‌های اجتماعی، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.



- معینی پور، مسعود و رضا لک‌زایی (۱۳۹۱)، «ارکان امت واحده و تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری»، فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، س ۹، ش ۲۸۸، تهران.

- مودودی، ابوالعلاء (۱۴۰۵ق)، خلافت و ملوکیت، ترجمه خلیل احمد حامدی پاوره، تهران: انتشارات بیان.

- نامدار، مظفر (۱۳۷۶)، رهیافتی بر مبانی مکتب‌ها و جنبش‌های سیاسی شیعه در صد سال اخیر، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- الوسی، سید محمود (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۱۰، تحقیق علی عبدالباری عطیه، بیروت: دار الکتب العلمیه.

- یوسفی، حیات‌الله (۱۳۸۹)، ساختار حکومت در اسلام، تهران: نشر کانون اندیشه جوان.

منابع انگلیسی

- Eisenstaedt (1978), Revolution and the Transformation of Societies, New York: Free Press.

- Furan. J, (1993), "Theories of Revolution Revisited: Toward Fourth Generation?", Social Theory, 11.

-Goldstone, Jack (1980), "Theories of Revolution: The Third Generation», World Politics, 32.

- Goldstone, Jack (2001), "Toward a Fourth Generation of Revolutionary Theory", Annu, Rev sci.



